



Scientific Journal Quarterly of Middle East Studies

Vol 29. No 4. Winter 2023

Received date: 2023.05.02

Acceptance date: 2023.06.01



مرکز پژوهش‌های علمی و
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

Home page: www.cmess.sinaweb.net

DOR: 20.1001.1.15601986.1401.29.4.2.4

Sudan; Internal disturbances-external interventions

Hossein Ebrahimnia^۱



Abstract

A series of events since 2011 made the international world undergo changes that affected the Middle East and North Africa region more than before; From Syria, to Yemen, and today, when the crisis has spread in Sudan, this country with a complex population composition, although it is generally divided into Arab and African descent, but the social layers of the population are more diverse and add to the internal chaos of this country and the background It has become a source of foreign interference. So this question is important that why and how the roots of this internal turmoil become the basis for foreign interference? It seems that the main reason for this problem is the political structure and the lack of authority in this country, which still remains in a pre-modern tribal-monarchy system; Although modern institutions such as parliament, army, etc. can be seen, many coups in this country have increased the severity of this intolerance and the lack of formation of institutions based on political function and prevented the construction of a rational bureaucratic system and the emergence of tolerant political agents. In this regard, this research investigates and analyzes by collecting the necessary data through library and internet data and using a descriptive-analytical method, and at first it has an overview of Sudan's past and internal problems (economic, political, etc.) and then deals with current events and discusses and interprets the set of influential factors and interventions; This discussions will show why the internal disturbances and foreign interventions of this country have been talked about.

Keywords: Sudan, Internal disturbance, External intervention, Failed State, poverty, social gaps.

^۱ PhD in International Relations, Tehran, Iran.



مرکز پژوهش های علمی و
مطالعات استراتژیک خاور میانه

فصلنامه علمی مطالعات خاور میانه

سال ۲۹، شماره ۴، پیاپی (۱۱۰)، زمستان ۱۴۰۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۱۱

Home page: www.cmess.sinaweb.net

DOR: ۲۰,۱۰۰۱,۱,۱۵۶۰۱۹۸۶,۱۴۰۱,۲۹,۴,۲,۴

نوع مقاله: پژوهشی

سودان؛ آشفتگی های داخلی- دخالت های خارجی

حسین ابراهیم نیا^۱



چکیده

مجموعه ای رخدادها از سال ۲۰۱۱ جهان بینالملل را دستخوش تغییراتی نمود که منطقه خاور میانه و شمال آفریقا را بیش از پیش تحت تأثیر خود قرار داد؛ از سوریه، تا یمن و امروز که بحران در سودان فراگیر شده است، این کشور با ترکیب جمعیت پیچیده هرچند که در شکل کلی به عرب تبار و آفریقایی تبار تقسیم می شود، ولی لایه های اجتماعی جمعیتی متنوع تر بوده و بر هرج-مرج داخلی این کشور افزوده و زمینه ساز دخالت های خارجی شده است. اکنون پرسش مطرح آن هست که به چه دلایلی ریشه های این آشفتگی داخلی زمینه ساز دخالت های خارجی شده است؟ به نظر می رسد دلیل کلان این مسئله ساخت سیاسی و عدم وجود مرجع اقتدار در این کشور بوده که همچنان در یک نظام ملوک الطوائفی ماقبل مدرنیته باقی مانده است؛ هرچند که نهادهای مدرن مانند مجلس، ارتش و... مشاهده می شود اما کودتاهای فراوان در این کشور بر شدت این نابرداری و عدم شکل گیری نهاد بر پایه کارکرد سیاسی افزوده و مانع ساخت یک نظام دیوانسالار عقلانی و ظهور کارگزاران سیاسی بردبار شده است. در همین راستا پژوهش حاضر با گردآوری داده های لازم از طریق داده های کتابخانه ای و اینترنتی و با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی، تجزیه و تحلیل می پردازد و در ابتدا مروری بر گذشته سودان و مشکلات داخلی (اقتصادی، سیاسی و...) داشته و سپس به رویدادهای حال حاضر پرداخته و مجموعه عوامل تأثیرگذار و دخالت های انجام شده را بحث و تفسیر می نماید؛ مجموع این مباحث نشان خواهد داد چرا از آشفتگی های داخلی-دخالت های خارجی این کشور سخن گفته شده است.

واژگان کلیدی: سودان، قدرت، امنیت.

با تغییرات و تحولات پی‌درپی در جهان بین‌الملل و افزایش مشارکت بازیگران حوزه‌هایی چون قدرت، سیاست، ثبات، امنیت و صلح بیش از گذشته فشار را به کشورهای آفریقایی تحمیل نموده است؛ آفریقا، قاره‌ای که برخی به آن لقب قاره آینده داده‌اند، افزایش حضور و مشارکت دیگر کشورهای جهان بازیگران مدعی قدرت و رهبری این قاره را در موضوعات امنیت، اقتصاد، سیاست و... تحت تأثیر قرار داده است و فشار مضاعف رقابت را در دو سطح درون و برون قاره میان بازیگران دولتی و غیردولتی افزوده است. اما نخست ریشه همه آشفتگی‌ها را که ماهیت دخالت و بازی دیگر بازیگران را شکل می‌دهد، باید در ضعف‌های این قاره جستجو نمود که بسترساز دخالت عوامل خارجی شده است؛ اغلب دولت‌هایی که مدعای دولت بودن را دارند از جمله کشور سودان که از ۱۹۵۶ استقلال یافته و نقشه‌های آن ترسیم شده است، بدون توجه به سابقه تمدنی آن منطقه ایجاد شده‌اند؛ به تعبیر دیگر بازیگران خارجی حسب تغییرات روح زمانه شیوه استعماری خود را تغییر داده و گروه‌های ناهمخوان و گوناگون هویتی، فرهنگی، عقیدتی، مذهبی و تمدنی داخل یک مجموعه قرار داده و با خط‌کش برای آن‌ها مرز ترسیم نموده‌اند. بنابراین امروز کشوری مانند سودان برای ایجاد نهادسازی و شکل دادن به یک سیستم حاکمیتی در درون به اندیشه مشترک و یک مرجع اقتدار مرکزی نرسیده و نتیجه آن منجر به حاکمیت زور یا بی‌ثباتی تا به امروز شده است. بنابراین امروز زمانی که به نقشه سودان در شمال آفریقا می‌نگرید، اثرات خط‌کشی‌های مزی این کشور خصوصاً در مرزهای غربی، شمالی و شرقی کاملاً مشهود است؛ گرچه ممکن برخی این پرسش را طرح نمایند که ماهیت بحران امنیت دخالت عوامل خارجی می‌باشد، ولی باید پاسخ داد که این موضوع در مرحله نخست نشأت گرفته از عدم ایجاد هویت مشترک داخلی خصوصاً در ابعاد اندیشه و بردباری فکری است که اجازه بازی دیگر بازیگران اعم از منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را می‌دهد و در مرحله بعد به آن ماهیت می‌بخشد. در حقیقت عدم درک روح زمانه توسط جوامع منطقه سطح نابدباری زیست سیاسی و اجتماعی را تحت‌الشعاع خود قرار داده و سبب شکل‌گیری گروه‌های متفاوت با اندیشه‌ها و ایدئولوژی‌های متفاوت گردیده و پیوست آن زمینه دخالت دیگر بازیگران فراهم می‌نماید؛ به تعبیر دیگر این گروه‌ها با عدم درک واحد و بر پایه منطق نسبت به تهدیدات سبب شکل‌گیری بازیگرانی دولتی و غیردولتی ملی و فراملی با اندیشه، هنجارها، ایدئولوژی‌ها و اهداف متعارض می‌شوند که زمینه بحران و ماهیت دیگر بازیگران مداخله‌گر در بازی را شکل می‌هند.

در مورد کشور سودان که در آوریل ۲۰۱۹ پس از چند ماه اعتراضات مردم سرانجام ارتش این کشور عمرالبشیر را پس ۳۰ سال از حکومت مبتنی بر نوعی حامی پروری (کلاپتیسیم) ملوک‌الطوایفی از قدرت کنار گذاشته شد، برای اغلب این تصور ایجاد شد که آن روح زیست مشترک سیاسی و اجتماعی در حال شکل‌گیری است ولی آنچه امروز همچنان مشاهده می‌شود وضعیت آشوب سیالی هست که همچنان ادامه دارد و با دخالت دیگر بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ابعاد دیگری یافته است. در حقیقت از ابتدا باید ماهیت تحلیل و نشانه‌شناسی تحولات را سیال و انتقالی در نظر گرفت تا از تفسیر و تحلیل در برابر وسوسه تعیین برندگان و بازندگان مقاومت کرد؛ اما آنچه که اختصاصاً در مورد سودان لازم به بیان است در واقع ضعف توزیع در شمال آفریقا ابتدا به ساکن سبب بحران اقتصادی و سپس گسل‌های بازی قدرت را فعال نموده و پیامد آن سبب شکاف‌های فکری، اجتماعی، سیاسی و در نهایت امنیتی شده و در مرحله نهایی ماهیت امنیتی نمایان شده و با دخالت بازیگران دولتی و غیردولتی بیرونی، زمینه‌های آشوب و پیامدهای امروزی شکل می‌گیرد و سپس محیط داخلی و پیرامونی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اکنون پرسشی مطرح می‌شود که به چه دلایلی ریشه‌های این آشفتگی داخلی زمینه‌ساز دخالت‌های خارجی شده است؟ به نظر می‌رسد دلیل کلان این مسئله ساخت سیاسی و جمعیتی این کشور بوده که همچنان در یک نظام

ملوک الطوائفی ماقبل مدرنیته باقی مانده است؛ هرچند که نهادهای مدرن مانند مجلس، ارتش و... مشاهده می‌شود. اما کودتاهای فراوان در این کشور بر شدت این ناپردباری و عدم شکل‌گیری نهاد بر پایه کارکرد سیاسی افزوده و مانع ساخت یک نظام دیوانسالار عقلانی و ظهور کارگزاران سیاسی بردبار شده است. در همین راستا پژوهش حاضر با گردآوری داده‌های لازم از طریق داده‌های کتابخانه‌ای و اینترنتی و با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی، تجزیه و تحلیل می‌پردازد و در ابتدا مروری بر چالش قدرت و امنیت در آفریقا بعد از آن به گذشته سودان و مشکلات داخلی (اقتصادی، سیاسی و...) داشته و سپس به رویدادهای حال حاضر پرداخته و مجموعه عوامل تاثیرگذار و دخالت‌های انجام شده را بحث و تفسیر می‌نماید. مجموع این مباحث نشان خواهد داد چرا از آشفتگی‌های داخلی-دخالت‌های خارجی این کشور سخن گفته شده است.

چالش قدرت و امنیت در آفریقا از گذشته تا به امروز

آفریقا در پهنه‌ای بیش از سی میلیون کیلومتر مربع، دومین قاره پهناور جهان پس از آسیا است. با مساحتی پیرامون ۳۰'۲۲۱'۵۳۲ کیلومتر مربع ۲۰/۳٪ از مجموع خشکی‌های زمین را در بر می‌گیرد. عرض این قاره حدود ۸۰۰۰ کیلومتر از شمال به جنوب و طول آن در حدود ۷۴۰۰ کیلومتر از شرق به غرب می‌باشد. آفریقا از شمال به دریای مدیترانه، از باختر به اقیانوس اطلس، از شمال خاوری به دریای سرخ، از جنوب به خلیج عدن، از جنوب خاوری به اقیانوس هند محدود می‌شود. آفریقا درازترین رود جهان (رود نیل) را در خود جای داده است. این رود که از بروندی سرچشمه می‌گیرد به مصر سرازیر می‌شود. اگرچه غربی‌ها با قاره آفریقا مانند یک کشور برخورد می‌کنند ولی نباید فراموش کنیم که آفریقا نه تنها یک کشور نیست بلکه وسعت آن از ۵۴ کشور مختلف با هویت‌های گوناگون تشکیل شده است؛ به این معنا که نمی‌توانیم آفریقا را به یک کل واحد تعمیم دهیم. علاوه بر این به دلیل ماهیت استعماری‌ای که بر آفریقا حاکم بوده است مرزهای استعمارگرایانه سبب شده است یک کشور آفریقایی را بتوان به هر چیزی نسبت داد به جز یکپارچگی (به‌عنوان مثال آفریقای جنوبی بیش از ۱۱ زبان رسمی دارد). فرهنگ، آشپزی، زبان یا حتی دین غالب در عرض چند صد کیلومتر به کلی تغییر می‌کند بدون اینکه حتی از مرزی عبور کنیم (McKinney, 2010).

در چنین فضایی همواره چالش اصلی این قاره بازی قدرت و امنیت بوده است. از آنجایی که هر رژیم منطقه‌ای به تناسب ویژگی‌های ماهیتی، زبانی، سیاسی، ژئوپولیتیکی، تعداد و نوع بازیگران، کیفیت و ماهیت تعاملات میان کنشگران واقع در آن خرده رژیم منطقه‌ای، دارای یک سلسله متغیرهای امنیت‌افزا و امنیت‌زدا می‌باشد که در آن متغیرهای امنیت‌افزا سبب و محرک امنیت بیشتر در آن رژیم منطقه‌ای می‌شود و در مقابل متغیرهای امنیت‌زدا بدل به زمینه ایجاد بحران ناامنی و مواجهه با چالش‌های تهدیدآفرین می‌شود. در حقیقت وزن این سلسله متغیرها تعیین‌کننده ثبات و همگرایی در یک کشور و یا منطقه است؛ به این معنی که از گذشته تا به امروز قاره آفریقا به دلیل عدم رشد و توسعه، مسائل استعماری که خرده‌فرهنگ‌ها و هویت‌ها را در آن بیش از پیش نموده است، وزن متغیرهای امنیت‌زدا را در آفریقا بیشتر کرده و سبب امنیت‌زدایی و عدم همگرایی و ایجاد یک صدای واحد از این قاره شده است. بنابراین همواره امنیت در آفریقا و کشورهای آن از گذشته تا به امروز با ابهام، عدم پیش‌بینی‌پذیری و ناپایداری روبه‌رو بوده است. در حقیقت عوامل مهم تاریخی، تمدنی، هویتی، زبانی، قومیتی، مذهبی و... بر ریشه رفتارهای بازیگران قدرت در آفریقا تاثیرگذار بوده است (Cilliers, 2011).

بنابراین بازی قدرت چه در داخل کشورهای آفریقایی و چه میان قدرت‌های منطقه‌ای آفریقا زمینه‌های شکل‌گیری آنارشی و فقدان وجود یک اقتدار سازمانی را برای ایجاد یک صدای مشترک در این قاره ایجاد نموده است. حال اینکه از گذشته تا به امروز وضعیت امنیت در شرایط آنارشی این قاره به چه شکل پیش رفته است. باید گفت که این موضوع بسیار تابع میزان توان و انسجام داخلی و سیاسی شکل دهنده هست؛ به‌عنوان نمونه محیط داخلی سودان از زمان استقلال تا کنون همواره با یک آشفتگی روبه‌رو بوده و محیط پیرامونی خود را تحت تأثیر قرار داده است و یا در نمونه دیگر شاهد هستیم با سقوط

قذافی در لیبی محیط امنیتی شمال قاره دستخوش ناامنی می‌گردد. حال امکان دارد این پرسش به ذهن بیاید که ممکن است در هر نقطه‌ای از دنیا دچار آناارشی باشیم؛ این سوال صحیح است، ولیکن در محیطی که بازیگران دارای حکومت‌هایی با نهاده‌های سیستمی قوی باشند با آناارشی کم‌خطر مواجه هستیم، اما در مقابل محیط امنیتی مانند آفریقا که سابقه استعماری نیز در آن پررنگ می‌باشد و این سابقه به‌رغم استقلال کشورها از گذشته تا به امروز از میان نرفته است، شاهد حکومت‌های ضعیف بی‌اقتدار مرکزی بوده که حتی توان اعمال حاکمیت در کشور خود را ندارند و این بی‌ثباتی و سیال بودن زمینه انواع ناامنی را ایجاد نموده است و از آنجایی که محیط از ویژگی‌های اعضا جدا نیست، محیط امنیتی متشکل از کشورهای ضعیف، عدم امنیت را برای آفریقا به ارمغان می‌آورد. به‌عنوان مثال سودان به دلیل وسعت یکی از بازیگران دارای نقش در آفریقا بود، ولیکن عوامل بی‌ثبات‌کننده محیط مجدد اجازه نداد که سودان این توان را داشته باشد که در این قاره بازی اثرگذاری داشته باشد. به‌عنوان مثال جدایی قسمت جنوبی سودان از کشور مادر در ۹ ژوئیه ۲۰۱۱ بیش از پیش بر ضعف‌های آن افزود و اکنون توان این کشور را تا دهه‌ها از میان برده است. به تعبیر دیگر این بی‌ثباتی محیط امنیتی و امروز در کشور سودان سبب تأثیر بر شرایط داخلی کشورهای همسایه نیز خواهد شد. بنابراین اصلی‌ترین پیامد رژیم امنیتی این قاره تا به امروز شکل‌گیری حکومت‌های ضعیف و فروپاشی کامل اقتدار دولت‌های مرکزی بوده که حتی بازیگران اصلی این قاره را بی‌نصیب نگذاشته و بر سیاست‌ها و تصمیمات آن‌ها اثرگذار بوده است. به این ترتیب امروز محیط آشفته سودان بر سیاست‌های مصر، چاد، آفریقای مرکزی، سودان جنوبی، اتیوپی و ارتیره تأثیر گذاشته است. همچنین در طولانی‌مدت می‌تواند بر الجزایر، نیجریه، غنا و آفریقای جنوبی اثر بگذارد و آن‌ها را با چالش‌های امنیتی زیادی روبه‌رو بسازد. این موضوع سبب می‌شود که نه تنها این بازیگران در امنیت داخلی خود با بحران مواجه شوند، بلکه در رابطه با مدیریت مولفه‌های امنیتی محیط پیرامون خود نیز در قاره دچار تنش شوند و در عمل نتوانند نقش چندان مثبتی به جهت اتخاذ سیاست‌های همگرایانه مبتنی بر صلح در قاره ایفا نمایند؛ حتی ممکن است در اثر ضعف درونی آن‌ها ناامنی به سطح قاره سرایت نماید. به تعبیر دیگر بازیگرانی که در داخل نیز قوی هستند، این توان را دارند که محیط امنیتی پایدار و قدرتمندی ایجاد نمایند؛ ولی بازیگرانی که دچار ضعف ساختاری هستند، تصمیمات و سیاست‌های آن‌ها شکل‌دهنده یک مجموعه امنیتی ضعیف و اگرآیانه هست. لیکن تا کنون مجموعه سیاست‌های بازیگران آفریقا به دلیل عوامل تاریخی ذکر شده از ویژگی‌های چندان پایدار و باثباتی برخوردار نبوده و به همین سبب وقوع انواع چالش امنیتی، آشفتگی، تحول و بحران غیر قابل پیش‌بینی تا امروز در این قاره محتمل بوده است. به تعبیر دیگر این موضوع زمینه‌ساز شکل‌گیری نگرش‌های متفاوت ریشه‌ای و کاهش سطح هم‌صدایی که یکی از عوامل شکل‌گیری امنیت هست شده و زمینه را برای نفوذ قدرت‌های خارج قاره به جهت اثرگذاری بر امنیت فراهم نموده است، به همین جهت فهم ماهیت قدرت و سیاست در آفریقا نیازمند چهار مولفه اساسی است؛ نخست شناختن نظم و ساختار نظام بین‌الملل، دوم نوع و شکل روابط قدرت‌های بین‌المللی، سوم شناخت نظم و نوع روابط قدرت‌های منطقه‌ای پیرامونی (خاورمیانه و اروپا) و در نهایت چهارم شناخت جایگاه، ابعاد و اهمیت قاره آفریقا در نظم موجود نظام بین‌الملل. قاره آفریقا از گذشته تا به امروز به دلیل تاریخ استعماری محل تضارب و آزمون قدرت‌های بین‌المللی و قدرت‌های اروپایی بوده و امروز به دلیل منابع غنی آن حتی قدرت‌های شرق آسیا نیز به آن اضافه شده‌اند.

سودان؛ استقلال و کودتاها

در سال ۱۹۵۶، سودان از بریتانیا و مصر استقلال یافت و به یک کشور مستقل تبدیل شد اما با این حال، سودان تازه استقلال یافته با چالش‌های متعددی از جمله تنش‌های هویتی عرب‌تبار و آفریقایی‌تبار، قومیتی، نابرابری‌های منطقه‌ای و بی‌ثباتی سیاسی مواجه بود. این کشور با مسائلی مانند تخصیص منابع، تقسیم قدرت و نمایندگی دست و پنجه نرم کرد که شکاف‌های قومی و مذهبی موجود را تشدید کرد. سودان در طول تاریخ پس از استقلال خود، دوره‌هایی از حکومت نظامی، کودتاها

سیاسی و جنگ‌های داخلی را تجربه کرد. بنابراین واقعیت آن است که سودان از جمله کشورهای کودتاخیز و همواره ناآرام قاره آفریقا است و از زمان استقلال تا کنون ۱۴ کودتای موفق و ناموفق را تجربه کرده است. این کودتاها در سال‌های ۱۹۵۷ (ناموفق)، ۱۹۵۸ (موفق)، ۱۹۶۹ (موفق)، ۱۹۷۱ (ناموفق)، ۱۹۷۵ (ناموفق)، ۱۹۷۶ (ناموفق)، ۱۹۸۵ (موفق)، ۱۹۸۹ (موفق)، ۱۹۹۰ (ناموفق)، ۱۹۹۲ (ناموفق)، ۲۰۱۹ (موفق)؛ ژوئیه ۲۰۲۱ (ناموفق)، سپتامبر ۲۰۲۱ (ناموفق) و اکتبر ۲۰۲۱ رخ داده‌اند. سودان در سال‌های ۱۹۶۴ و ۱۹۷۰ نیز شاهد بروز اعتراضات عمومی و شورش‌هایی علیه دولت‌های حاکم بود که اولی باعث کنار رفتن ابراهیم عبود شد و دومی علیه جعفر نمیری ناکام ماند (نبوی، ۱۴۰۰). در این میان، بایستی به دو جنگ دامنه‌دار داخلی هم اشاره کرد: جنگ بر سر استقلال سودان جنوبی که از همان سال ۱۹۵۶ آغاز شد و با فراز و فرودهای زیادی بالاخره به استقلال آن در سال ۲۰۱۱ انجامید و درگیری‌های دارفور در غرب سودان که از سال ۲۰۰۳ آغاز شد و از ۲۰۱۳ به این سو شدت گرفت؛ برآورد می‌شود جنگ اول حدود ۲ میلیون کشته و جنگ دوم بین ۳۰۰ تا ۴۰۰ هزار کشته بر جای گذاشته است.

با این تفسیر چشم‌انداز سیاسی سودان همواره با تغییر اتحادها، جناح‌گرایی و درگیری بر سر قدرت و منابع، به‌ویژه نفت و طلا مشخص شده است. در این میان جنگ داخلی نیز همواره میان دولت شمالی، که عمدتاً عرب و اسلامی بودند و شورشیان جنوب، که به دنبال خودمختاری و نمایندگی بیشتر بودند، برای چندین دهه ادامه یافت و منجر به خشونت گسترده، آوارگی و بحران‌های انسانی شد. در سال ۲۰۱۱، سودان جنوبی، جدیدترین کشور جهان، از سودان جدا شد و به یک کشور مستقل تبدیل شد؛ با این حال، این جدایی صلح پایدار را برای سودان به ارمغان نیاورده است، لذا در واقعیت به استثنای یک دوره ۱۰ ساله بین سال‌های ۱۹۷۲ و ۱۹۸۳ میلادی، کشور سودان از زمان کسب استقلال دستخوش ناآرامی سیاسی و جنگ داخلی بوده است زیرا این کشور همچنان با بی‌ثباتی سیاسی، چالش‌های اقتصادی و درگیری‌ها در مناطق دیگر مانند دارفور (منطقه‌ای در غرب سودان) و کوه‌های نوبا (که در جنوب سودان واقع شده‌اند) و امروز بحران جنگ داخلی دست و پنجه نرم می‌کند و حکومت آن به‌طور متناوب در دست غیر نظامیان و نظامیان است که هر یک نیز خود وابستگی‌های قبیله‌ای دارند؛ چنین ساخت سیال و آشفته‌ای که همواره در این کشور وجود داشته سبب یک درهم‌تنیدگی بی‌پایان شده است و به‌رغم توافقات گوناگون میان بازیگران و کارگزاران سیاسی، ولی هیچ‌یک به سرانجامی نرسیده است چرا که تفکرات جزیره‌ای و یا ملوک‌الطوایفی کارگزاران سیاسی در این کشور مانع شکل‌گیری یک هویت مشترک سیاسی و یک مرجع اقتدار یا مرجع اعتماد میان آن‌ها شده است.

آشفته‌گی‌های داخلی سودان

اقتصاد: وضعیت سودان با توجه به بی‌ثباتی‌های سیاسی که از گذشته داشته و اکنون در آستانه طولانی شدن یک جنگ داخلی هست، به‌شدت سیال و شکننده‌تر شده است. در سال ۲۰۲۳ ذخایر ارزی کشور سودان صفر اعلام شده و بدهی خارجی این کشور بیش از ۴۵ میلیارد دلار هست. همه این مشکلات در کنار افزایش جمعیت این کشور به بیش از ۴۵

۱ - در سال ۲۰۱۹، تظاهرات گسترده‌ای در سرتاسر سودان آغاز شد و خواستار اصلاحات سیاسی، حکومت دموکراتیک و پایان دادن به فساد و نقض حقوق بشر شد؛ این اعتراضات که به انقلاب سودان معروف است، منجر به برکناری عمر البشیر، توسط نظامیان همراه با انقلاب شد (برخی تفاسیر کودتا نام می‌برند)، رئیس‌جمهور دیرینه‌ای شد که سه دهه در قدرت بود، پس از آن، دولت انتقالی متشکل از نمایندگان غیرنظامی و نظامی با هدف هدایت سودان به سمت یک سیستم دموکراتیک و فراگیر تشکیل شد.

میلیون نفر و بالا رفتن نرخ فقر، بیکاری و تورم سبب شده بازیگران قدرت طلب نیروی کافی برای جذب داشته باشند. در حقیقت آشفتگی‌های مداوم به همراه شکل‌گیری فساد گسترده اقتصادی سبب شده که سودان، به‌رغم وسعت زیاد و برخورداری از منابع فراوان طبیعی و آثار باستانی، همواره کشوری فقیر باشد که تعداد قابل توجهی از مردم آن از آثار تورم مزمن و بیکاری رنج می‌برند. تمامی شاخص‌های خرد و کلان اجتماعی، اقتصادی و بهداشتی بیانگر آن است که وضعیت این کشور خصوصاً طی دو دهه اخیر نزول فاحشی داشته و تنوع صادراتی آن اثر مثبتی بر معشیت عمومی نگذاشته است. یکی از مهم‌ترین ضربه‌ها به اقتصاد نحیف این کشور، جدایی سودان جنوبی در سال ۲۰۱۱ بود که موجب شد دست‌کم ۷۵ درصد منابع نفتی از دست برود. طبق آمارهای جهانی، تورم این کشور از حدود ۲۰ درصد در سال ۲۰۱۸ به ۸۳ درصد افزایش یافته و ۵۸ درصد مردم زیر خط فقر هستند (World Bank, 2023).

با این تفسیر رشد و توسعه اقتصادی سودان از ابتدای استقلال همواره مناسب نبوده و رشد چندانی نداشته و صرفاً در بخش‌های استخراج نفت خام یا منابع معدنی خام طرح‌های توسعه‌ای داشته است. در کنار این موضوع گستردگی فساد اقتصادی و ناکارآمدی بوروکراتیک و همچنین شبکه‌ای از کارگزاران اقتصادی نزدیک به حکومت زمینه‌های بحرانی شدن شرایط را بیش از پیش فراهم نموده است؛ به تعبیر دیگر بی‌برنامگی و جنگ قدرت دائمی در این کشور همواره نارضایتی و مخالفت‌های عمومی زیادی ایجاد نموده است که آخرین نمونه آن اعتراضات چندماهه سال ۲۰۱۹ بود.

سیاست: در حوزه سیاست داخلی سودان از ابتدای تاسیس تا به امروز که شرایط پیچیده شده است، جنگ بر سر قدرت ادامه داشته است. ویلیام هزلیت^۲ تعریف و تعبیر شفافی در مورد ماهیت قدرت دارد؛ وی بیان می‌دارد که «عشق به قدرت همان عشق به خودمان است». در حقیقت با اینکه تمایل به قدرت، یکی از ویژگی‌ها و خصایل شایع بشری است، اما شدت میل و نیز میزان تلاش عملی بشریت در جهت کسب و توسعه قدرت همسان نیست؛ به عبارت دیگر، برخی بازیگران در کشور سودان عطش شدیدتری به قدرت دارند و برای رسیدن به آن، گام‌های جدی‌تر و پرریسک‌تری بر می‌دارند، حتی این شیفتگی به قدرت را از دید دیگران پنهان نگه نداشته‌اند. در واقع قدرت مفهومی است که همگان خصوصاً کارگزاران سیاسی جذابیت آن را حس می‌کنند، اما درک مفهوم و ماهیت قدرت امر ساده‌ای نیست. به تعبیر سیاسی آن، قدرت، مشابه آب‌وهوا است که همه در مورد آن مباحثه می‌نمایند، ولیکن تعدادی محدود ماهیت تخصصی آن را درک و فهم می‌کنند. به همان شکلی که درک و پیش‌بینی تحولات جوی برای گروه‌هایی چون کارشناسان هواشناسی و کشاورزان اهمیت ویژه‌ای دارد، درک و فهم ماهیت تحول و دگرگونی قدرت نیز برای گروه‌هایی چون کارگزاران سیاسی مهم‌تر است.

در مورد کشور سودان از سال ۱۹۵۶ و استقلال این کشور مسئله و ماهیت قدرت از گذشته به دلیل سوابق استعماری هیچگاه متناسب نبود و توزیع متفاوتی داشته است؛ اما عامل مهمی که بر واگرایی قدرت از گذشته تا به امروز تاثیرگذار بوده ارزیابی از میزان قدرت هر کدام از کارگزاران سیاسی و نظامی سودانی در مورد وزن و مقدار تأثیرگذاری نسبت به همتایان خود هست. آنچه در مورد این کشور قابل بیان است این است که رقابت لزوماً موارد ارزشی را در بر نمی‌گیرد چرا که بیشتر رقابت‌های داخلی در سودان بر پایه مسائلی از جنس منافع، امنیت و رهبری می‌گردد (Matfess, 2016)؛ به‌عنوان نمونه در دوره عمرالبشیر خیلی تلاش شد از طریق حامی پروری در جهت قدرت محوری امور رهبری و اقتدار مرکزی تثبیت گردد هرچند موفق نبود، ولی در این حالت خیلی تلاش می‌شود با فرصت‌طلبی از طریق به‌کارگیری دیگر نیروها بیشترین قدرت

۱ - لازم به ذکر است آمارها و منابع و شبکه‌های مختلف خبری، به نقل از آمارهای صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی، گردآوری شده است؛ همچنین باید گفت اغلب آمارها از سال ۲۰۱۷ به بعد ناقص می‌باشد و در شبکه‌های آمارهای بین‌المللی ثبت نشده است.

۲ William Hazlitt

و منفعت را کسب نمود. به تعبیر دیگر با اختلاف افکنی میان بازیگران بازی در جهت قدرت طلبی ایجاد نمود، اما در واقعیت امر در این حالت موضوع نوع همکاری به منزله یک همکاری پایدار نیست، بلکه فرصت طلبی ملوک الطوائفی (جزیره‌ای قدرت) ایجاب می‌نماید در آن همکاری صورت گیرد و تلاش می‌شود رقیب را از میدان خارج نماید. به تعبیری منطق بازی میان بازیگران کاستن از قدرت، نفوذ رقیب و افزودن به قدرت و نفوذ خود است. در این حالت بازیگران تلاش می‌کنند در جهت حفظ و تثبیت موجودیت درونی خود با ایجاد شرایط بحرانی در دیگر مناطق (مانند منطقه دارفور در سودان) از طریق ایجاد جنگ، ائتلاف و همکاری، تداوم قدرت، غارت منابع، نفوذ و امنیت خود را حفظ نمایند. بنابراین امروز هم که چرخه دائمی ناآرامی در این کشور شکل گرفته و شاهد نزاع میان نیروهای ارتش به رهبری عبدالفتاح البرهان (رئیس شورای حاکمیت انتقالی) و نیروهای واکنش سریع (RSF) و یا جنجاوید سابق به رهبری محمد حمدان دقلو معروف به حمیدتی^۱ اکنون هر دو طرف همین سیاست را به پیش می‌برند (Kar, 2023).

با این تفاسیر سودانی‌ها بعد از استقلال تا کنون هرگز بر سر یک سیستم حکومتی خاص به توافق نرسیده‌اند و نهادهای سیاسی این کشور همواره ضعیف و متشکل از طرف‌هایی بوده‌اند که اهمیتی برای کشور و حقوق شهروندان قائل نبوده و دائم دنبال منافع، ایدئولوژی و فرصت طلبی کسب قدرت بوده‌اند. سودان کشوری غنی از منابع طبیعی و زمین‌های حاصلخیز است اما اختلافات قومی-قبیله‌ای (فرصت طلبی ملوک الطوائفی) و درگیری‌های مداوم سیاسی مانع از مدیریت صحیح و همچنین بستری برای دخالت‌های خارجی در این کشور شده و آن را به یکی از ناآرام‌ترین و فقیرترین مناطق جهان تبدیل کرده است.

دخالت‌های خارجی

بحران‌های حال حاضر در نظام بین‌الملل بیش از گذشته سمت و سوی پیچیدگی و درهم‌تنیدگی به خود گرفته است. در این میان ماهیت، نقش و تعدد بازیگران اعم از دولتی و غیردولتی بر ابهامات موجود افزوده و سطح شراکت مستقیم و غیرمستقیم، تقابل و منازعه، رقابت و ائتلاف بر سر قدرت دستخوش تغییر نموده است. نتیجه چنین وضعیتی پیدایی تهدیدات، منازعات و مناقشات جدیدی که ماهیت بازیگران حالت پیچیده، چندبُعدی و همراه با ابهام و ابهام به خود گرفته است و از آنجایی که ریشه ماهیت داخلی دارد و پیامد آن منطقه‌ای و بین‌المللی می‌شود که بازی قدرت، امنیت و منافع در آن نقش کلیدی دارد. بنابراین با پیچیده شدن بازی، گونه‌های بازیگران قدرت در سودان توازن قدرت را نامتوازن می‌نمایند. با این تفسیر می‌توان بازیگران خارجی را در این کشور به شکل زیر تقسیم‌بندی نمود: نخست، بازیگران دولتی (منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای) در مورد سودان می‌توان روسیه، مصر، عربستان سعودی، اتیوپی، ترکیه، قطر، امارات و... را نام برد؛ دوم، بازیگران غیردولتی نوظهور (گروه‌های شبه‌نظامی خصوصی به علاوه گروه‌های شبه‌نظامی افراط‌گرا) در مورد سودان می‌توان به گروه نظامی روسی واگنر و تیم‌های حفاظت خصوصی عمدتاً غربی اشاره نمود. به این ترتیب در زمین بازی سه نوع کشمکش قدرت، امنیت و میزان نفوذ، یک حرکت دایره‌ای را آغاز نموده‌اند که بر ماهیت بازیگرانی مانند روسیه، مصر، اتیوپی و عربستان سعودی بیشترین اثرگذاری را در سودان داشته است. در میدان عمل بازیگران دولتی اعم از داخلی در همراهی با بازیگران خارجی و غیردولتی (نیروهای نیابتی‌شان) به هر یک از رقبا به عنوان عامل کشمکش و فرصت طلبی و یا ستیزه‌جویی می‌نگرند.

۱ - ژنرال حمدی که پیش‌تر در منطقه دارفور در سرکوب‌های وحشیانه قومی و قبیله‌ای نقش داشت سعی کرد خود را حامی انتقال دموکراتیک نشان دهد. او با انتقاد از عبدالفتاح برهان به سودانی‌ها گفت که رهبران نظامی یکبار که به قدرت می‌رسند دیگر تمایلی به واگذاری قدرت ندارند.

۲ - در طول سه دهه حکومت عمر البشیر مسکو بیشترین نفوذ را در سودان پیدا نموده است.

(Kindl, 2017)؛ گرچه عامل تاریخی الگوی توزیع قدرت و سپس مکمل‌های هویتی، قومیتی، مذهبی و... در سودان بر ریشه رفتارها تأثیر می‌گذارد؛ در این حالت آنچه روی می‌دهد بازیگران تبدیل به بازی‌کنندگانی می‌شوند که در نگاه به یکدیگر بدبین بوده و مقام قدرت، نفوذ و امنیت خود را در نابودی دیگری جستجو می‌نمایند. در واقع در این حالت بازی با حاصل جمع صفر میان بازیگران آغاز می‌شود و بازیگران هدف اصلی‌شان توسعه‌طلبی فرصت‌طلبانه بر سر قدرت می‌شود. در حقیقت لازم به ذکر است که سودان پس از سال ۲۰۱۹ بیش از گذشته شاهد بازیگری بازیگران متعدد منطقه‌ای مانند ترکیه، امارات، قطر، عربستان و مصر و فرامنطقه‌ای مثل آمریکا، روسیه و اتحادیه اروپا بوده و وضعیت داخلی این کشور از باب اینکه نیروهای سیاسی و نظامی نتوانسته‌اند به یک توافق‌نامه جامع و پایدار برسند، وضعیت مناسبی نیست، به تعبیر دیگر ترکیب وضعیت داخلی و بازیگری بازیگران خارجی نشان‌دهنده آن است که وضعیت به سمت یک پیچیدگی امنیتی در حال تغییر است (Kar, 2023)؛ به‌عنوان نمونه اتیوپی نیز تلاش دارد با تسلط بر منابع آبی نقش هژمون تعیین‌کننده برای حوزه سودان و مصر داشته باشد. به تعبیر دیگر برخی از بازیگران به جهت افزایش توان چانه‌زنی تلاش دارند با اعمال بعضی از استراتژی‌های متفاوت خود را قدرت بی‌رقیب در قاره نشان دهند، بنابراین آشفتگی در سودان این فرصت را برای اتیوپی فراهم می‌کند، هرچند که تبعات امنیتی در آینده نیز خواهد داشت ولی اتیوپی آن را فرصت قلمداد کرده تا از این وضع در راستای پیشبرد کار آبرگیری سد النهضة سود ببرد. در عین حال برای مصر خوشایند نیست چون سودان حیاط خلوت مصر است و مسائل آن از جنبه‌های گوناگون برای این کشور با اهمیت بوده و در واقع تداوم درگیری‌ها و پیامدهای آن در کنار وضعیت نه چندان مناسب لیبی دولتمردان مصری را با احساس محاصره شدن در بحران‌ها مواجه می‌سازد. بر همین اساس باید گفت در کشور سودان میان بازیگران پیچیدگی قدرت و امنیت شکل گرفته است؛ در واقع بازیگران از سویی خواهان تغییرات کلان در وضعیت امنیتی هستند و از سوی دیگر به جهت حفظ و تثبیت موجودیت درونی قصد دارند با ایجاد شرایط بحرانی، تداوم قدرت، نفوذ و امنیت خود را حفظ نمایند. لذا در حالت مارپیچ، قدرت و امنیت دیگر تک‌بعدی نبوده و ابعاد مختلف قدرت، تهاجم، ائتلاف و دفاع را در بر می‌گیرد. به عبارت دیگر، اکنون بحران میان ارتش (البرهان) و نیروهای واکنش سریع (حمیدتی) در سودان در وضعیت مارپیچ امنیت و قدرت میان بازیگران داخلی و خارجی دارای نفوذ آن قرار گرفته است که چند بُعد قدرت، تهاجم، ائتلاف و دفاع بر رفتار بازیگران تأثیر می‌گذارد؛ در این حالت آسانی تهاجم و دفاع اغلب در ایجاد بی‌ثباتی و منازعه است، تفوق تهاجم موجب تهدیدآمیز تلقی شدن امکانات دیگران می‌گردد و بازیگران را به کسب امنیت از طریق تهاجم تشویق می‌نماید؛ در این شکل بازیگران تهاجم از هر طریقی در یک سرزمین را یک مزیت قلمداد می‌کنند چرا که ترس امنیتی میان بازیگران سبب می‌شود که پیروزی پرهزینه و دست‌نیافتنی باشد؛ به همین دلیل نیز تهاجم و آشوب جاذبه بیشتری می‌یابد و از سوی دیگر به دلیل غیرمستقیم بودن هزینه‌های آن کمتر و در بلندمدت موفقیت بیشتر است. بنابراین از آنجایی که ماهیت بازیگران در این دایره قرار گرفته لذا مقام امنیتی از حالت ثبات نسبی گذشته به بی‌ثباتی جدید تغییر وضعیت می‌دهد و انجام عملیاتی در یک منطقه در یک سطح، برای یک بازیگر ممکن است که تهاجمی و در سطح دیگر نیز دفاعی تلقی شود.

جمع‌بندی

با جمع‌بندی مسائل داخلی و خارجی، به نظر می‌رسد که وضعیت فعلی سودان در حالی که نگرانی‌هایی ایجاد کرده ولی فرصت‌هایی را برای بازیگران داخلی و خصوصاً خارجی ایجاد کرده است. در حقیقت اتفاقات حال حاضر سودان در واقع تداوم ناآرامی‌های این کشور پس از کنار زدن عمرالبشیر است، هرچند آن اقدام یکی از مهم‌ترین موانع بر سر توسعه و پیشرفت سودان را کنار زد، اما نتوانست زمینه‌ساز آرامش در این کشور باشد. اکنون اختلافات شدید میان نیروهای نظامی و سیاسی از یک طرف و میان دو نیروهای نظامی از سویی دیگر سبب شده این کشور از ۲۰۱۹ در چند مرحله درگیر ناآرامی

و حتی آشوب باشد و اکنون به مرحله خطرناک پیچیدگی یک جنگ رسیده است. در میدان عمل هنگامی که دو گروه بزرگ مسلح نظامی بر سر قدرت و امنیت وارد نزاع می‌شوند، دیگر به تبعات ویرانگر آن نمی‌پردازند حتی اگر متوجه تبعات کاری که انجام می‌دهند باشند، مانع اصلی آن عدم وجود مرجع اقتدار متمرکز و مرکزی است که در کشوری مانند سودان اساساً به شکل واقعی پدید نیامده است. به دلیل عدم وجود این مرجع همواره اعتماد میان بازیگران از میان رفته است. این موضوع سبب می‌شود که دور باطل ناامنی و عدم امنیت شکل بگیرد و با هر اتفاقی واکنش‌های نظامی سخت به یکدیگر نشان بدهند؛ به تعبیر دیگر بازیگران به دلیل عدم اعتماد همواره به دنبال قدرت و رفع ترس‌های خود هستند، همین نکته سبب می‌شود که در این مقطع مواضع متفاوت و متناقضی را در پیش بگیرند.

اکنون وضعیت فعلی سودان هیچ نشانه‌ای از صلح و آتش‌بس را در آینده نزدیک روبه‌روی قاره آفریقا و نظام بین‌الملل قرار نمی‌دهد و این حالت فعلی نویددهنده نقض آتش‌بس‌های متعدد دیگری خواهد بود که پی در پی رخ خواهد داد. در حقیقت چنانچه عوامل فوق مانند: ۱. عدم رشد جامعه مدنی در این کشور که نمود حقیقی آن در کارگزاران سیاسی و نظامی حاضر در صحنه دیده می‌شود؛ ۲. فرهنگ قبیله‌ای و عشیره‌ای (نظم ملوک‌الطوایفی) این کشور؛ ۳. منازعه و عدم تساهل میان نخبگان سیاسی، در واقع نخبگان سیاسی در سودان بیشتر از آنکه به مسیری اصلی همراه با ثبات بیاندیشند به راه‌های فرعی و بیراهه می‌اندیشند که موجبات سرخوردگی اجتماعی را فراهم نموده است (در یک نمونه همراهی با نظامیان درگیر هست)؛ ۴. نبود نخبگان سیاسی بسیج‌کننده؛ ۵. نبود مرجع اقتدار مرکزی؛ ۶. دخالت مخرب و متضاد عوامل خارجی، در واقع عوامل خارجی یکدست دخالت نمی‌نماید و دخالت آنان کاملاً متضاد است؛ به‌عنوان نمونه کشورهای همسایه با دخالت خود به دنبال حفاظت از امنیت و فرصت‌طلبی بر سر منافع خود (مانند اتیوپی) هستند؛ بنابراین از میان همسایگان و کشورهای منطقه‌ای صدای واحدی بیرون نمی‌آید؛ ۷. چنددستگی میان طیف‌های سیاسی؛ ۸. مسئله نفت^۱ و معادن سودان (معادن طلا)؛ ۹. افراط‌گرایی و مسائل پیوسته با آن، رفع نگردها چندان نمی‌توان امید به ثبات و رسیدن به صلح را مدنظر قرار داد و همچنان سرمایه‌های مالی و انسانی این کشور غارت و نابود خواهد شد و به تعبیری چنانچه عوامل فوق مرتفع نشود همچنان آتش‌بس‌های احتمالی کوتاه‌مدت و بلندمدت با شکنندگی همراه بوده و صلح را با خطر روبه‌رو می‌نماید. لذا طولانی و پیچیده شدن بازی و ماهیت مناقشات میان بازیگران در سودان، گونه‌های جدیدی از بازیگران قدرت‌طلب ظاهر خواهد نمود و زمین بازی دامنه آشوب و ناامنی را بیش از پیش دچار تغییر خواهد کرد؛ به‌عنوان نمونه مسکو که در زمان ۳۰ ساله عمرالبشیر در این کشور صاحب نفوذ بود، پس از سقوط حکومت وی کشورهای اروپایی و ایالات متحده را در مقابل خود دید، چرا که سودان سرشار از منابع طبیعی از جمله طلا است. حال با آغاز درگیری‌هایی که هشدار یک جنگ داخلی را می‌دهند به نظر می‌رسد مجدد نیروهای روسیه خصوصاً به واسطه مزدوران و اگنر، موفق شده‌اند به ساختارهای حیاتی این کشور نفوذ نمایند.

بنابراین در خاتمه ذکر شود که حالت پیچیدگی قدرت و مارپیچ امنیت در سودان دیگر تک‌بعدی نبوده و ابعاد مختلف قدرت، تهاجم، افتخار، ترس و دفاع را میان بازیگران در بر می‌گیرد و چنانچه اگر قصد بر برقراری توافق صلحی باشد، باید

۱ - به‌عنوان نمونه منطقه ابی (Abyei) که دارای ذخایر نفت می‌باشد، همچنان مورد مناقشه سودان و سودان جنوبی هست. همچنین سودان جنوبی به‌رغم جدایی در سال ۲۰۱۱ همچنان برای صادرات نفت به سودان نیاز دارد. در نمونه دیگر از اختلافات می‌توان به دو قبیله مهم آفریقایی تبار و عرب تبار این منطقه اشاره کرد که قبیله دینکا (آفریقایی تبار) که کشاورز هست طرفدار حاکمیت سودان جنوبی و قبیله عرب تبار کوچ‌نشین طرفدار حاکمیت سودان است.

در سطح قدرت‌های بزرگ باشد تا این کشور از پیچیدگی امنیتی خارج شده و شرایط مسالمت‌آمیز و با ثبات صلح سیاسی و امنیتی برقرار شود.

فهرست منابع

منابع فارسی

۱- نبوی، سید عبدالامیر (۱۴۰۰)، سودان و تداوم ناآرامی‌های سیاسی، پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه. قابل دسترسی در: <https://www.cmess.ir/Page/View/2021-11-13/4913>

منابع غیرفارسی

- ۱- Cilliers, Jakkie, Hughes Barry, and Moyer Jonathan. (2011). African Futures 2050. Pretoria, South Africa: Institute for Security Studies.
- ۲- kar, s. (2023). Sudan In Turmoil: Understanding The Root Causes And Complexities Of The Crisis. Retrieved from Republic World: <https://www.republicworld.com/world-news/africa/sudan-in-turmoil-understanding-the-root-causes-and-complexities-of-the-crisis-articleshow.html>
- ۳- Kindl, Martin. (2017). "African Security Futures Threats, Partnership, and International Engagement for the New U.S. Administration." Prism: Vol. 6, P4.
- ۴- Matfess, Hilary. (2016) .""Africa," In Charting A Course: Strategic Choices For A New Administration." Washington, Dc: National Defense University Press: 298.
- ۵- McKinney .(2010). Lions on the Move .New York: The Progress and Potential of African Economies. Retrieved from Central Bank: <https://www.ceicdata.com/en/indicator/>.
- ۶- World, Bank. (2023). Population, total . Rep. Retrieved from data.worldbank: <https://data.worldbank.org/indicator/SP.POP.TOTL?end=2021&locations=G&start=2021&view=map>